



اخبار

تا اخیرا پاسداران سرمایه که ترس از اوجگیری مبارزات توده‌ها تمام وجودشان را فرا گرفته است، شکردهای سرکوبگران را با شدیدترین رنجی به سرطه‌ی اجرا درآورده‌اند. از جمله این شکردها ایجاد راه‌سندان و منطقه‌گسری است. نحوه‌ی کار بدین ترتیب است که دسته‌های ۲ نفره‌ی پاسدار که از مناطق مختلف جمع‌آوری می‌شوند در یک منطقه منطقه‌ی وسیعی را محاصره کرده و شروع به بازرسی اتومبیلها می‌نمایند. سواران و عابریین پیاده می‌نمایند. این منطقه گردیها در ساعات مختلف انجام می‌گردند و تاکنون چندین مورد آن از جمله در خیابان باقرخان (ترسیده به میدان توحید) بزرگراه سننوس و خیابان انجام گرفته است.

و تعدادی از پاسداران خرافان استعنا شده‌اند، ولی با استعنا آنها موافقت نشده است. به عنوان مثال در یک مورد پاسداری زحمت کشیدن پایش را بهانه‌ی استعنا خود قرار داد. ولی با درخواست وی مخالفت شد.

در این رابطه البته ترس و وحشت پاسداران سرمایه از اوجگیری مبارزات و صبح پاسدارکشی را نباید نادیده گرفت. اکثر پاسداران ریش خود را زده‌اند و "لباس مقدس پاسداری" را از ترس از تن درآورده و لباس عادی می‌پوشند. در ماه‌های سپاه و کمیته‌سوار می‌شوند و بر خلاف گذشته، جرات ظاهر شدن در خیابانها را ندارند. از عامل سهم ترس و وحشت که بگذریم، مسنوار دیگری نیز وجود دارد.

از جمله یکی از پاسدارانی که استعناایش مورد موافقت قرار نگرفت، به محل اسنی بنام برده است. بدیهی است که با اوجگیری ناراضی‌های عمومی و همچنین تشدید جو سرور و خفقان و دستگیری، شکنجه و قتل و کشتار توسط رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، کسانی که هنوز در خدمت به مردم، در دستگاههای سرکوبی باقی مانده‌اند، روز بروز بیشتر ترس خود را از دست خواهند داد و با ترکی صفوف رژیم جا پیشکار و

دانش سرمایه‌داری به آخرین تداهای انسانیت درونی خود پاسخ خواهد گفت. یکی از باغهای بزرگ مستطیل به طاقوشیسان سراری در پل رومی (حاده‌ی قدیم شیراز) که قبلا توسط رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به "سنگستان" مآذره شده بود، اکنون تبدیل به زندانی برای زندانیان زندگستان و هواداران آن‌ها شده است. در این باغ همچنین دادگاههایی نیز تشکیل می‌شود و احکام اعدام صادره در محل به اجرا در می‌آید.

حیایات رژیم سرمایه‌داری بر طبقه‌کارگران زندگستان و روشنفکران انقلابی ایستاد و وحشت انگیزین بطرد کرده است. ایجاد این حیایات براحنی با حیایات هیتر و فاشیستهای وی قابل مقایسه است. یک تفاوت در اینست که هیتر مردم را دسته دسته به کوره‌های گاز می‌فرستاد، ولی رژیم جمهوری اسلامی آنها را در مقابله بوجهی اعدام قرار می‌دهند. تفاوت دوم اینست که رژیم ایستاد که رژیم جمهوری اسلامی از همسان ابتدا شروع به کشتار مردم کرد، ولی هیتر تا زمانی که برای اینکار مقابله‌چینی می‌کرد تفاوت سوم، صرفا در شدت حکومت است. اگر هیتر سرنگ شد در حدود ۱۱ سال بزرگکارسانت (۶ سال آنرا در جنگ پست‌داند) رژیم جمهوری اسلامی بسیار زودتر از آن گرفتار خشم استعمار زندگستان خواهد شد و بعد مجازات خواهد رسید. بر با قوایان حزب الهی، هر روز تپوهای "سپاه تری" را برای تشریفات خود می‌پایند.

جمعه ۲۳ مردادماه تصدای از مسزیه الهی‌های مجد نظریه وابسته به "مستعنا و موافقت منطقه‌ی آنها" را از تاریخ ششم استفاده کرده و برای "مبارزه با مواد مسنور و فحشا و زینت انقلاب"، دکاهای را واقع در خیابان راه ابوذر فتاحی که متعلق به شخصی بنام میسر است، با آتش کشیدند. تمامی اموال این مسنور دکهدار در عرض کمتر از یک ساعت به خاکستر تبدیل شد و در محضرت این فرد و خانواده‌ی او را به خاک سپردند.

صبح روز بعد هنگامیکه مردم با خاکستر شسته شده‌های سرشانی و غیره روبرو شدند، افسوس هیرت خشکشان زده، ولی اطلاعیه‌ای نصب شده روی دیوار بسیار گویا بود:

"با پیشی در جهت سرکوبی هر چه بیستیم عوامل مواد مخدره فحشا و ضدانقلاب حزب الله"

در کشوری که مرتبا تصدای را تحت عنوان قتل فاحشی به جوعتی اعدام می‌پارزند، چه تیسسان به آتش زدن دکه است؟ البته ناگفته روشن است که شیون مبارز با مواد مخدر این نیست. سر بیماری افسان را فقط با یا فتن علل آن در سطح جامعه و در میان آن، میزان سالانه کرد و نه با کشتن بیمارانه است. فحشا را چگونه میتوان از طریق دکه رواج داد، امریست که در نتیجه‌ی تحریک

هسته‌های مقاومت توده‌ای را سازمان دهیم

اللہی ہا میکنجد، چون بہر حال خودشان قبل از اینکہ حرفہی جدید: "حزب اللہی" بودن را در پیش بگیرند، عمری در این نوع کارها فہستہ داشتہ اند.

یک مشت چاقوکش کثیف کہ از ہر وسیلہای برای تسویہی حما بہای شخصی خود استفادہ میکنند تنها کسانی ہستند کہ واقعا از رژیم جمہوری اعلامی حمایت میکنند. زیرا تحت لوای این رژیم است کہ قادر بہ جہاول مردم، با جکبوری از آنها و ہرکردن کیسہی خود ہستند. بنا براین ہی جہت نیست کہ ہر روز وحشی تر از روز قبل ہر زندگی مردم میتازند و عجلہ دارند کہ ہر چہ زودتر جیب خود را پرتر سازند چون بہ ہیچ وجہ از آیندہی این رژیم حامی و حافظ سرمایہ مطمئن نیستند. ایشان نیز بہ گونہای معکوس ہی بردہ اند کہ وجودشان بہ وجود نظام سرمایہ داری و رژیم حامی آن وابستہ است و با ریشہ کن شدن چنین رژیمی، این انگلیہای اجتماع نیز ریشہ کن خواہند شد.

روز شنبہ ۲۱ مرداد حدود ساعت ۶ بعد از ظہر، یک اتومبیل گشتی پاسداران در حال تعقیب اتومبیل مبارزین مسلح، مورد ہدف گلولہی این مبارزین قرار گرفت. در این تیراندازی کہ در تقاطع تخت طاووس سابق با خیابان سپہروردی (فرج سابق) صورت گرفت، گلولہ ہر یکی از پاسداران سرمایہ اصابت کرد کہ در نتیجہ مسلسل وی بہ طرف پیادہ رو متمایل شد و یک عابر بیگناہ را بہ قتل رساند. پاسدار مذکور نیز بہ احتمال زیاد مجازات جنایات خود را با مرگ خود پاسخ گفت.

جالب توجہ اینجاست کہ ارگانہای تبلیغاتی ارتجاع حاکم مثل کیسان بکشنہ بہ دروغ ساعت واقعہ را ۹ بعد از ظہر گزارش کردہ و ادعا کردند کہ عابر مذکور را، مبارزین مورد ہدف قرار دادہ اند.

بہر حال، از رژیم ارتجاعی و فروما بہای کہ برای حفظ و بقای خود از ہیچ جنایتی رویگردان نیست و ہر روز دست خود را تا صرفی در خون ہزاران انقلابی از بہترین فرزندان زحمتکش مہین آغستہ میسازد، انتظاری جز این نمیبرود کہ برای بدنام کردن مبارزین بدروغ نیز متصل شود. بہر جہت، این رژیم کہ دروغهای بسیار بزرگتر از این را بہ مردم ما حقضہ کردہ است، پس، از گفتن بسک دروغ نیز ہراسی بخود راہ نمیدہد.